

The Impact of the International Document NSSM200 on Iran's Demographic Developments

✉ **Hadi Arab**  / PhD in International Relations, Qom Islamic Azad University

Yaser Solati / Graduate of Qom Seminary

harab@iki.ac.ir

solati@iki.ac.ir

Received: 2025/04/10 - **Accepted:** 2025/07/20

Abstract

Population has always been one of the most strategic components in shaping the destiny of societies. In addition to being influenced by various domestic variables—economic, security, political, cultural, social, and familial—demographic trends in today's interconnected world are also affected by international factors and documents. Among the most influential international documents in the past half-century is the United States National Security Study Memorandum 200 (NSSM200), titled Implications of Worldwide Population Growth for U.S. Security and Overseas Interests, which was designed to manage global population growth in alignment with American interests and implemented across various countries. Using an analytical-descriptive method and using library resources, in this article we aim to analyze the role of this document in the process of population decline in the Islamic Republic of Iran and its transformation into a model of population decline at the global level. The findings indicate that the application of NSSM200's framework within Iran's structures and contexts—impacting scientific, economic, educational, health, and cultural policymaking and planning—has been one of the principal factors behind the sharp decline in Iran's population growth.

Keywords: Population, NSSM200, Culture, Fertility Decline.

نوع مقاله: مروری

تأثیر سند بین‌المللی NSSM200 بر تحولات جمعیتی ایران

harab@iki.ac.ir

solati@iki.ac.ir

ک هادی عرب  / دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

یاسر صولتی / دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

چکیده

جمعیت همواره یکی از راهبردی‌ترین مؤلفه‌ها در سرنوشت جوامع بوده است. این مسئله افزون بر تأثیرپذیری از متغیرهای متعدد اقتصادی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و... در داخل کشورها، به دلیل درهم‌تنیدگی نظام مسائل و موضوعات در عصر حاضر، از متغیرها و اسناد بین‌المللی نیز متأثر بوده است. یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی تأثیرگذار در نیم قرن اخیر در تحولات جمعیتی کشورها، سند مطالعات امنیت ملی آمریکا (پیامدهای رشد جمعیت جهان بر امنیت و منافع برون‌مرزی ایالات متحده) است که با هدف مدیریت جمعیت جهان در راستای منافع این کشور طراحی و در کشورهای گوناگون اجرا شده است. در این نوشتار برآنیم تا با روشی تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نقش‌آفرینی این سند در روند کاهش جمعیت ج.ا.ایران و تبدیل این کشور به الگوی کاهش جمعیت در سطح جهانی را واکاوی نماییم. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کاربست الگوی این سند در ساختارها و بافتارهای ج.ا.ایران، با تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های علمی، اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و... یکی از اصلی‌ترین عوامل در کاهش شدید رشد جمعیت ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، NSSM200، فرهنگ، کاهش باروری.

مقدمه

مسئله جمعیت در طول تاریخ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اصلی و تأثیرگذار در سرنوشت تمدن‌ها، جوامع بشری و دولت‌ها در سطوح مختلف بوده است و در جهان امروز نیز به‌عنوان یکی از ارکان چهارگانه شکل‌گیری دولت‌ها به‌شمار می‌آید. این موضوع به دلیل بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای بودن همواره کانون توجه اندیشه‌وزان رشته‌های گوناگون قرار گرفته است. با توجه به جایگاه ویژه این متغیر در تأثیرگذاری در تحولات مختلف جهان و تأثیرپذیری از آنها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بسیاری از استراتژیست‌ها و راهبردنویسان کوشیده‌اند با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های هوشمند، راهبردی و اجرایی از این مؤلفه در راستای اهداف کلان خود بهره‌برداری کنند و بر همین اساس است که پاول دمنی (Paul Demeny) سیاست‌های جمعیتی را ترتیبات نهادی یا برنامه‌های مشخصی می‌داند که به‌وسیله آنها دولت‌ها به عمد، مستقیم یا غیرمستقیم بر تغییرات جمعیتی تأثیر می‌گذارند (Demeny, 2003) و یا ویکس (Weeks) آن را نوعی استراتژی برای دستیابی به الگوی خاصی از تغییرات می‌کند (Weeks, 2008).

بررسی روندهای جمعیتی طی دهه‌های گذشته نشانگر آن است که بیشتر کشورهای مختلف جهان روندی کاهشی را تجربه کرده‌اند. روشن است که تغییر سیاست‌های جمعیتی با هر رویکردی اعم از افزایشی، کاهشی و یا ثبات در هر کشوری، روندی طبیعی است که کشورها متناسب با مؤلفه‌ها و شرایط حاکم بر خود اتخاذ می‌کنند. در ج.ا.ایران نیز، وضعیت جمعیت در دهه ۶۰ شمسی شرایط را به‌گونه‌ای رقم می‌زند که سیاست‌گذاران به این نتیجه می‌رسند که باید سیاست‌های جمعیتی تغییر یافته و از رویکرد افزایشی به رویکرد کاهشی تغییر یابد؛ از این‌رو این‌گونه سیاست‌گذاری می‌شود که در یک روند منطقی، میانگین تعداد فرزندان هر خانواده از حدود ۶/۵ فرزند در دهه شصت به میانگین چهار فرزند تا سال ۱۳۹۰ برسد، اما سیاست‌های کاهش جمعیتی در ایران با چنان سرعت و شتابی دنبال می‌شود که هدف چهار فرزند در سال ۱۳۷۳ محقق می‌شود، ولی سیاست‌های کاهش جمعیت بدون هیچ نظارتی همچنان تداوم می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که میزان فرزندان برای هر خانوار در سال ۹۰ به حدود یک‌ونیم، یعنی زیر سطح جایگزینی می‌رسد. این بدان معناست که در یک بازه زمانی حدود بیست ساله، جمعیت هر خانوار در ایران از حدود ۷ فرزند به ۲ دو فرزند و سپس به زیر سطح جایگزینی رسیده است (فولادی، ۱۴۰۰، ص ۱۹ و ۴۸). درواقع، از سال ۱۳۶۷ که زمان شروع برنامه تنظیم خانواده است، جمعیت به سرعت روند انتقالی خود را طی می‌کند، تا جایی که میزان باروری کل از ۵/۵ فرزند در این سال به ۲/۷ در سال ۱۳۷۹ و به ۱/۳ در سال ۱۳۹۰ رسیده است (شوازی، ۱۳۸۱)؛ درحالی‌که این فرایند به‌صورت طبیعی نیازمند حداقل چندین دهه می‌باشد. برای مثال، در انگلستان ۱۳۰ سال، یعنی از سال ۱۸۰۰-۱۹۳۰ طول کشیده است تا سطح باروری این کشور از ۵ فرزند برای هر خانواده به ۲ فرزند کاهش یابد! (گولدستون، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

واکاوای روند تغییرات جمعیتی در ایران بیانگر آن است که شتاب روند کاهش جمعیت در ج.ا.ایران چنان پرشتاب به پیش رفته است که امروزه در محافل آکادمیک و علمی دنیا از آن به منزله یک الگو یاد می‌کنند. برای مثال، جک گولدستون (Jack A. Goldstone) می‌گوید:

سریع‌ترین زمان برای گذار باروری از یک حد بالا به یک حد پایین مربوط به ایران است؛ میزان باروری از ۷ فرزند در سال ۱۹۸۴ به ۲ فرزند در سال ۲۰۰۶؛ یعنی در طول ۲۲ سال این تجربه کم‌سابقه و سریع انتقال بارو به وقع پیوست (گولدستون، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

ریچارد جکسون (Richard Jackson)، جمیعت‌شناس بین‌المللی بیان می‌دارد: «روند گذار جمعیتی ایران با سرعت چشمگیری پیش رفته است. از سال ۱۹۸۰ نرخ زاد و ولد تا بیش از دوسوم از ۵/۶ به ۱/۲ کاهش یافته است؛ یعنی سریع‌تر از هر ملتی در طول تاریخ» (جکسون و هو، ۱۳۹۹، ص ۲۵۴). دیک اسمیت (Dick Smith) در اثر خود با نام بحران جمعیت بیان می‌دارد: «در سال ۱۹۸۰ نرخ باروری ایران به صورت میانگین هفت فرزند به‌ازای هر زن بود. امروزه این میزان به ۱/۷ رسیده است. این کاهش فوق‌العاده شاید بزرگ‌ترین سقوط سنگین نرخ باوری باشد که برای همیشه ثبت شده است» (Smith, 2011, p143). فلیپ لانگمن (Philip Langman)، جمیعت‌شناس برجسته آمریکایی در کتاب خود با عنوان کاهش جمعیت و بازسازی سیاست قدرت‌های بزرگ می‌نویسد:

ایران تحت حکومت روحانیت اسلامی، به‌طور کامل دوسوم از سطح باروری خود را کاست (از شش و شش دهم فرزند به‌ازای هر زن تا دو و یک دهم فرزند) و اکنون با سطح باروری کمتر از حد جایگزینی، قادر به حفظ جمعیت خود در طول زمان نیز نیست (Longman, 2011).

نیکولاس ابرشتات (Nicholas Ebershtadt)، از محققان انستیتو انترپرایز آمریکا می‌گوید: «کاهش نرخ باروری در ایران طی سی سال گذشته حیرت‌انگیز و معادل هفتاد درصد بوده است. این میزان یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است» (Ebershtadt, 2011). مایکل کوک (Michael Cook) در مقاله‌ای با عنوان «بحران جمعیتی ایران» می‌نویسد:

تا اواسط این قرن، این جوانان سالمند خواهند شد و جمعیت در سن کار نسبتاً کمی برای حمایت از آنها در جامعه‌ای با روابط شدیداً تضعیف‌شده خانوادگی وجود خواهد داشت. درواقع در درازمدت، آینده بسیار تاریک به نظر می‌رسد (سؤال حقیقی و) رمز و راز این است که چگونه نخبگان حاکم ایران برای این مسئله آماده می‌شوند (Iran s Demographic crisis, mercatornet, 2009).

آنچه بیان شد، نمونه‌ای از اظهارنظر نویسندگان و جمیعت‌پژوهان بین‌المللی درباره روند شدید کاهش جمعیت ایران بود. حال این پرسش مطرح می‌شود که در ج.ا.ایران که سال‌ها درگیر جنگ تحمیلی و پیامدهای ناشی از آن بوده است، چگونه سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش جمعیت زودتر از موعد مقرر محقق، و سپس این روند تداوم می‌یابد. یافته‌های نگارندگان و نیز برخی پژوهش‌ها (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق؛ قاسمی، ۱۳۹۲؛ فولادی، ۱۴۰۰) نشانگر آن است که برنامه

کاهش جمعیت در ج.ا.ایران روند طبیعی خود را طی نکرده است و در اجرای این برنامه برخی کشورها و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی کرده‌اند. لازم به ذکر است که در همان بازه اجرای برنامه تنظیم خانواده و سال‌های پس از آن، برخی از اندیشمندان و عالمان این مسئله را یادآوری کرده بودند، ولی گویا گفتمان غالب کاهش جمعیت مانع از برجسته شدن این دیدگاه‌ها بوده است. برای مثال، علامه حسینی طهرانی در کتاب مشهور خود، *رساله نکاحیه*، بارها بر این نکته تأکید می‌کند که اجرای این نوع برنامه‌ها با این کیفیت، سیاست‌ها و برنامه‌های استعماری است (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۹-۱۳۲، ۱۹۹-۲۰۶، ۲۹۳-۳۰۹). رهبر معظم انقلاب در آن ایام بیان می‌دارند:

من حدس می‌زنم که این یک نقشه خارجی باشد و با این امر موافق نیستیم و در ملاقاتی که با جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رفسنجانی داشتم ایشان را راجع به خطر این امر گوشزد کردم، ایشان گفتند: این یک نظری است و دیگر گفتاری نداشتند (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۰).

برای تبیین چیستی و چرایی این معضل واکاوی‌هایی صورت گرفته است. بررسی‌ها نشانگر نقش‌آفرینی پارامترهای مختلفی در این زمینه است، اما یکی از اصلی‌ترین عوامل، اجرای الگوی سندی بین‌المللی NSSM200 در جمهوری اسلامی ایران بوده است. ترجمه سند و تطبیق سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ارائه‌شده در آن، با مجموعه‌ای از اقدامات جامع، پرحجم، پرشتاب و چندلایه صورت گرفته برای کاهش جمعیت در ایران، نشان می‌دهد که الگوی توصیه‌ای و عملیاتی این سند در ایران نیز اجرا شده است؛ از این رو در ادامه به‌طور اجمالی به معرفی این سند پرداخته و سپس در رویکردی تطبیقی برخی از دستورالعمل‌های اجرایی آنکه در ج.ا.ایران را تبیین می‌کنیم.

سند مطالعات امنیت ملی آمریکا؛ پیامدهای رشد جمعیت بر امنیت و منافع برون‌مرزی ایالات متحده آمریکا NSSM200 پس از پایان جنگ جهانی دوم و با حاکم شدن آمریکا بر بسیاری از مناسبات بین‌المللی و اتخاذ رویکردی هژمون‌محور در عرصه جهانی، این کشور به‌منظور تداوم تسلط بر جهان، اقدامی مهم در راستای کنترل و مدیریت جمعیت کشورها انجام داد که تقریباً بسیاری از تحولات جمعیتی نیم قرن پس از آن مبتنی بر این اقدام تداوم یافته‌اند. در سال ۱۹۷۴ هنری کیسینجر وزیر امور خارجه وقت آمریکا با بررسی وضعیت تحولات جمعیتی در قاره‌های مختلف جهان و نسبت سنجی آن با منافع ایالات متحده، به‌ویژه امنیت و منافع برون‌مرزی و فراقاره‌ای این کشور، به‌منظور کاهش و مدیریت جمعیت جهان، طرحی را تهیه و ارائه داد که پس از تصویب و اجرا، مبنای سیاست‌های جمعیتی بسیاری از کشورهای دنیا از آن تاریخ به بعد قرار گرفت: سند مطالعات امنیت ملی NSSM200 (پیامدهای رشد جمعیت جهان برای امنیت و منافع برون‌مرزی ایالات متحده). درواقع، این سند بر آن است تا در راستای منافع آمریکا، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های کاهش و مدیریت جمعیت جهان را در کشورهای مختلف ارائه دهد.

در این سند ابتدا تحلیلی جامع از روندهای جمعیتی در کشورهای دنیا انجام و سپس در راستای منافع و امنیت برون‌مرزی آمریکا، برای مدیریت جمعیت جهان سناریوی دو فرزندگی برای هر خانواده تأیید و برای اجرا در دستور

کار قرار می‌گیرد. مجری اصلی سند آژانس توسعه بین‌المللی امریکا است که می‌بایست با استفاده از همه ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها، بخش‌های خصوصی و نهادهای مردمی، این سناریو را به خواست درونی جوامع تبدیل کند تا هدف مورد نظر تحقق یابد. در این راستا شش استراتژی مهم در نظر گرفته می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. راهبرد جهانی اساسی؛
۲. تمرکز بر کشورهای کلیدی؛
۳. ادغام برنامه‌های جمعیتی با برنامه توسعه ملی کشورها؛
۴. ایجاد شرایط مساعد برای کاهش باروری در کل جهان؛
۵. توسعه روستایی کمک‌های غذایی و کشاورزی؛
۶. گرفتن تعهد سیاسی از رهبران و مسئولین و مردمان کشورها برای کاهش جمعیت (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵-۲۷۹).

در ادامه برای اجرای هر یک از این استراتژی‌ها، مجموعه‌ای از اقدامات در نظر گرفته شده که در نوع خود کم‌نظیر بوده است. چشم‌انداز اولیه این سند ۲۵ ساله، یعنی از سال ۱۹۷۵ تا سال ۲۰۰۰ و در گام بعدی در طول قرن ۲۱ در نظر گرفته شده است؛ همچنین برای نظارت بر حسن اجرای این برنامه، چه در نهادهای مجری و چه در کشورهای هدف، جنبه‌های نظارتی در نظر گرفته شده که مسئولیت آن بر نهادهای نظامی قرار داده شده است (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۲۷۸). درواقع، این سند بر آن است تا با استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، آموزش و اقتناع مسئولان و مردم کشورها و چگونگی استفاده از ظرفیت رهبران و مسئولان ملی و بومی، ضمیمه ساختن برنامه‌های کاهش جمعیت با برنامه توسعه، تربیت نسل‌های آینده، استحاله فکری، آموزشی و فرهنگی جوامع، سرمایه‌گذاری بر تحصیل و آموزش زنان، به‌کارگیری روش‌های کاهش جمعیت متناسب با اقتضائات بومی هر کشور با قابلیت به‌روزرسانی، انجام پژوهش‌های تخصصی و بین‌رشته‌ای متناسب با هر کشور، حمایت‌های مالی، علمی، فرهنگی، آموزشی و... متناسب با شرایط کشورها به‌صورت جداگانه، به‌کارگیری روش‌های ساده، جذاب و متعدد برای جلوگیری از بارداری، استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای برای آموزش مردم کشورها و نیز کاربست دیگر رسانه‌های تبلیغاتی متناسب با اقتضائات هر کشور در راستای کاهش جمعیت، توجه به شکل‌دهی فکر نسل‌های بعد از طریق نظام آموزشی رسمی و غیررسمی، و... جمعیت جهان را در راستای تأمین منافع و امنیت ایالات متحده در سطح جهانی کاهش دهد.

پیامدهای اجرای سند NSSM200 در ایران

پس از ارائه و تصویب سند NSSM200، این برنامه با چشم‌اندازی جهانی، مبنای فعالیت‌های جمعیتی کشورهای جهان قرار گرفت و می‌توان گفت تحولات جمعیتی نیم قرن اخیر در جهان متأثر از اجرای این برنامه بوده است. پژوهش نگارندگان بیانگر آن است زمانی که در نیمه دوم دهه ۶۰ شمسی برنامه‌های کاهش جمعیت در دستور کار

ج.ا.ایران، قرار گرفته است، الگو و برنامه عملیاتی اجرای این برنامه که به تبدیل ایران به دارنده بزرگ‌ترین کشور دارنده روند کاهش جمعیت در بین همه کشورهای دنیا انجامیده است، همان الگو و برنامه‌های سند بین‌المللی جمعیتی NSSM200 است؛ از این رو در ادامه برآنیم تا با بیان مصادیقی عینی، برخی از جلوه‌های برنامه‌های کاهش جمعیتی در ج.ا.ایران را در رویکردی تطبیقی با برنامه‌های این سند، در برابر دیدگان شاهدان این سطور قرار دهیم.

۱. نهادهای ساختن الگوی دو فرزند یا سطح جایگزینی

در زمان تغییر سیاست‌های جمعیتی در ج.ا.ایران، سیاست‌گذاری بدین صورت بود که تا سال ۱۳۹۰، میانگین تعداد فرزندان هر خانوار به ۴ فرزند در هر خانوار برسد، اما با آغاز سیاست‌های کاهش جمعیت و با شگفتی تمام، همه شعارهای تبلیغاتی با محوریت دو فرزند برای هر خانواده شکل گرفت و در نتیجه بیش از دو دهه تبلیغ این شعار، الگوی سطح جایگزینی دو فرزند به یک ارزش و الگو برای کاهش جمعیت تبدیل شد؛ درحالی‌که این همان سناریوی نهایی و مورد تصویب سند NSSM200 برای مدیریت جمعیت بود (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۸۳-۸۵) که باید آن را در کل جهان نهادهای سازنده و خانواده‌ها رفاه و آسایش خود را در گرو آن بدانند!

۲. مهندسی منابع علمی

بسیاری از برنامه‌ریزی‌های عملیاتی مبتنی بر یافته‌ها و منابع علمی در هر عرصه‌ای می‌باشند. یکی از ویژگی‌های سند این بود که افزون بر اینکه خود آن مبتنی بر یافته‌های علمی زیادی شکل یافته، در بخش‌های مختلف آن بر تولید منابع علمی در راستای اهداف سند تأکید شده است (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۱۸۵-۱۸۸). درنگی بر منابع علمی ج.ا.ایران از اواخر دهه ۶۰ شمسی تا دهه ۹۰، نشانگر آن است که منابع اصلی علمی ناظر به موضوع جمعیت در بسیاری از رشته‌های علمی، اعم از پزشکی و بهداشتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و... همگی بر داشتن دو فرزند تأکید کرده‌اند، بدون آنکه با نگاهی جامع، استدلال‌های علمی متقنی ارائه دهند، بلکه همگی با تکرار کلیدواژه «دو فرزند» با ادبیات مختلف، گزاره‌ای از پیش تعیین شده را در کانون نتیجه‌گیری خود قرار داده‌اند و کوشیده‌اند برای اقناع اندیشگی مخاطبان خود استدلال‌هایی را بیان کنند. این موضوع در کتاب‌های مرجع در حوزه بهداشت و جمعیت که سال‌ها به‌عنوان دروس اصلی در رشته‌های بهداشت و درمان و پیراپزشکی تدریس می‌شود، نمود بیشتری دارد. برای مثال کتاب درس‌نامه پزشکی پیشگیری و اجتماعی اصول و روش‌های اپیدمیولوژی، جمعیت‌شناسی و آمارهای بهداشتی نوشته جی. ای. پارک و ک. پارک (۱۳۸۳) یا کتاب جمعیت و تنظیم خانواده نوشته پریوش حلم‌سرشت و اسماعیل دل‌پیشه (۱۳۸۵)، سال‌هاست از منابع اصلی دانشجویان رشته‌های بهداشت و درمان است که بر انجام خدمات تنظیم خانواده و داشتن دو فرزند تأکید دارند. افزون بر این، بسیاری از منابع برای تهیه دستورالعمل‌های تنظیم خانواده و جمعیت، معمولاً برگرفته از منابع علمی دارای سوگیری و مورد تأکید سازمان بهداشت جهانی است که با صراحت در سند NSSM200 بیان شده است. این نهاد باید

مدیریت کاهش باروری در سطح جهانی را دنبال کند (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۲۲۹). این مسئله سبب شده است برخی از عوارض خطرناک استفاده از روش‌های ممانعت از بارداری، اساساً به دستورالعمل‌های وزارت بهداشت راه پیدا نکند که بخواهد به اطلاع مردم برسد. برای مثال، در کتاب *بارداری و زایمان ویلیامز*، ابتلا به کیست تخمدان از عوارض بستن لوله در زنان شمرده شده است؛ درحالی‌که احتمال بروز این خطر، هیچ جایی در دستورالعمل‌های وزارت بهداشت ندارد؛ همچنین در کتاب مزبور، سکنه‌های مغزی و قلبی از عوارض قرص‌های ضدبارداری شمرده شده‌اند که این خطر بزرگ نیز به مردم گفته نمی‌شود. هنگامی متوجه ابعاد فاجعه‌بار این کوتاهی‌ها می‌شویم که بدانیم تقریباً از هر سه زوجی که در کشور از بارداری ممانعت می‌کنند، یک زوج از قرص‌های ترکیبی ضدبارداری استفاده می‌کند (مطلق، ۱۳۹۰). بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد هم در رشته‌های پزشکی و گرایش‌ها و هم در دیگر رشته‌های مرتبط با جمعیت، صدها و هزاران مقاله در حوزه جمعیت به نگارش درآمده است که همگی به شکل‌های مختلف اقداماتی را توصیه و تجویز می‌کنند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کاهش باروری و در نهایت هر خانوار دو فرزند را مطرح می‌سازند؛ رویکردی که صرفاً سناریوی تجویزی سند NSSM200 است.

۳. جهت‌دهی فرهنگ عمومی کشور بر اساس اهداف سند

فرهنگ بسان هوای است که زیست‌بوم اندیشه‌ای انسان و جوامع را شکل می‌دهد. یکی از بنیادی‌ترین توصیه‌های سند NSSM200، حاکم کردن گفتمان فرهنگی رفاه‌طلبی و داشتن خانواده‌های کوچک و کم‌فرزند برای داشتن آسایش بیشتر بود. تحقق این کار به اشکال مختلفی در ج.ا.ایران دنبال شد؛ در بازه زمانی اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت، با به میدان آمدن همه نهادهای حاکمیتی و دولتی، مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی، نهادهای خصوصی و مردمی و با به‌کارگیری همه رسانه‌های رسمی و غیررسمی کشور، تبلیغات محیطی، تغییر قوانین، شعارنویسی، و... در سطح بسیار وسیع، اذهان عمومی جامعه برای کم‌فرزندی جهت‌دهی شد. برای مثال، در تمام مراکز و سازمان‌ها، پوسترهایی در راستای تبلیغ فرزندآوری کمتر مشاهده می‌شد و حذف همه سیاست‌های تشویقی سه‌اولاد به بالا به‌عنوان اساس فعالیت‌های اجرایی مدنظر قرار گرفت (قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۴۴)؛ صداوسیما در راستای شعار «دو بچه کافی است» آموزش‌ها و تبلیغات خود را در قالب‌های متعدد و متنوع آغاز کرد؛ نظام آموزش عالی واحد تنظیم خانواده را جزو واحدهای درسی تمام رشته‌های دانشگاهی قرار داد که در آن راه‌های پیشگیری از بارداری آموزش داده می‌شود. درواقع، در آن شرایط، مسئله کنترل جمعیت و شعارهایی چون «فرزند کمتر، زندگی بهتر» به‌قدری به‌صورت جدی در دستور کار قرار گرفت که کمتر کسی مجال تفکر تحلیلی و یا تشکیک در این مسئله را می‌یافت (حسینی‌طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۸). این الگوی شکل‌دهی فرهنگی و تبدیل مسئله کاهش فرزندآوری به گفتمان مسلط و خواست درونی جامعه و مردم در ایران، همان الگویی است که سند NSSM200 بر تحقق و اجرای آن تأکید داشت تا از این طریق مسئله کاهش فرزند به دغدغه و خواست درونی جامعه تبدیل شود.

۴. نهاده‌سازی کم‌فرزندی در جامعه با تغییر نگرش نسل‌های آینده

از منظر استراتژیک و در رهیافتی آینده‌نگرانه، سرمایه‌گذاری برای در دست گرفتن کانون‌های فکری و سازمانی استراتژیک و راهبردی برای اعمال نفوذ هوشمند برای اجرای برنامه‌های مورد نظر در کشورهای دیگر یک اصل راهبردی است. در همین راستا، سند NSSM200 با صراحت بیان می‌دارد که باید برای تحقق کاهش جمعیت، بر آموزش نسل‌های نوظهور که رهبران آینده کشورهایشان هستند متمرکز شویم و با مدیریت یونسکو و ارائه آموزش‌های رسمی و غیررسمی اندیشه آنها را از هم‌اکنون با کم‌فرزندی شکل دهیم (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۲۴۰-۲۴۳). نگاهی به محتوای آموزشی و فرهنگی در نظام آموزشی رسمی و غیررسمی ج.ا.ایران طی چند دهه گذشته بیانگر آن است که بسیاری از منابع علمی، تربیتی و فرهنگی ارائه‌شده در راستای ترویج سبک زندگی غربی مبتنی بر لذت‌های مادی‌گرایانه و فردگرایانه است که خروجی این نوع نظام آموزشی و تربیتی، نداشتن خانواده و یا در نهایت داشتن یک خانواده کم‌فرزند است. بی‌تردید یکی از لوازم فرهنگ‌سازی در این زمینه ترویج سبک زندگی غربی و عدم پایبندی به سبک زندگی اسلامی است. کارشناسان اظهار می‌دارند دیدگاه‌های فلسفی سیاست‌های جمعیت‌شناسی که بر اساس بی‌دینی پایه‌گذاری شده با دین اسلام و فرزندآوری بیشتر در تضاد است (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۹۱). بدیهی است با کم‌رنگ شدن فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و جایگزینی شدن سبک زندگی غربی، دیگر نباید منتظر ظهور خانواده‌های پرجمعیت بود.

۵. نهاده‌سازی خانه‌گزینی به‌جای خانواده‌محوری

بخشی از سند مطالعات امنیت ملی امریکا NSSM200 با هوشمندی بر مؤلفه‌هایی تأکید ورزیده است که لازمه آن فاصله گرفتن زن از کانون خانواده است. در چندین بخش از این برنامه راهبردی، با تمرکز بر ارائه آموزش به زنان و نیز افزایش اشتغال آنها با هدف کاهش فرزندآوری، راهکارهای متعددی بر کاربست آنها ارائه کرده است. شاید بتوان یکی از کلیدی‌ترین نکات این سند در این‌باره را این جمله دانست که با صراحت بیان می‌دارد: «اشتغال زنان در خارج از خانه جایگزینی برای ازدواج زود هنگام و فرزندآوری و انگیزه‌ای برای داشتن فرزندان کمتر پس از ازدواج است» (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۲۳۰). افزون بر این، تحقیقات متعددی رابطه مستقیم بین این دو مؤلفه را بیان کرده‌اند. برای مثال، مک دونالد هیو (Hugh McDonald) در پژوهشی بیان می‌کند تحصیلات عالی زنان با تأخیر ازدواج همبستگی نشان می‌دهد (هیول، ۱۳۸۸، ص ۳۴). یکی از اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، در پژوهشی نشان می‌دهد میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج رابطه مستقیم دارد؛ به‌طوری‌که هرچه فرد تحصیلات بیشتری داشته باشد، توقع بالاتری از اشتغال و سطح زندگی دارد و بنابراین دیرتر ازدواج می‌کند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷). بر اساس پژوهشی دیگر حضور زنان در نظام‌های آموزشی آکادمیک که معمولاً زمان‌های طولانی به خود اختصاص می‌دهد، باعث بالا رفتن سن ازدواج می‌شود (مجدالدین و جمالی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). افزون بر این، نوع محتوا که کاملاً ترجمه‌ای و ضد

خانواده و مبتنی بر سکولاریسم است، باعث عدم تمایل به خانواده می‌شود. به تعبیر گاردنر، این اندیشه سکولار، اولین ایدئولوژی مؤثر در فروپاشی خانواده است (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵).

بدیهی است حضور روزافزون اجتماعی زنان توسط نهادهای مختلف رسمی و غیررسمی در قالب فیلم، سریال، صداوسیما و رسانه‌های بیگانه موجب تغییرات ناگواری می‌شود. اینکه ارزش «زن بودن» بر ارزش «همسر بودن» و «مادر بودن» پیشی گیرد، ضربه مهلکی بر بدنه تفکر خانواده‌محور جامعه نواخت و موجب شد «دانشجو شدن»، «دکتر شدن»، «قهرمان شدن»، «مدال گرفتن»، «سوپراستار شدن» و... بر «همسر شدن» و «مادر شدن» ارجحیت یابد. طراحان و مجریان سند NSSM200 با آگاهی از این نکات بر ضرورت حضور اجتماعی زنان تأکید ورزیدند. برای مثال، دبیر صندوق جمعیت وقت می‌گوید: «امروزه بسیاری از زنان در بیرون از خانه نیز کار می‌کنند و نقش زن تنها بچه زاییدن نیست. وانگهی هر کشوری که می‌خواهد در راه توسعه گام بردارد، نمی‌تواند تنها با نیمی از جمعیت خویش این راه را بپیماید». از نظر وی، یکی از عوامل موفقیت‌آمیز کشورهای اسلامی در زمینه کنترل افزایش جمعیت و تنظیم خانواده، سرمایه‌گذاری‌های وسیع در زمینه‌های آموزش و بهداشت و به‌ویژه مشارکت وسیع‌تر زنان در امور اجتماعی و توسعه کشور بوده است که همان دستورالعمل‌های سند است. این موضوع با طرح مسئله رشد فکری زن و بالا بردن سطح آگاهی وی در کشورهای اسلامی آغاز شد، اما در نهایت اجرای این طرح به تغییرات مهمی در سبک زندگی خانواده و در نهایت کاهش سطح رشد جمعیت منجر شد. برخی پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نیز نشان داده است که هرچه تحصیلات و میزان اشتغال زنان افزون‌تر شده، به همین نسبت سن ازدواج و فرزندآوری نیز به تأخیر افتاده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۶۰).

۶. اقتناع تصمیم‌سازان برای کاهش جمعیت

سند مطالعات جمعیتی در یکی از راهبردهای اصلی خود، بر گرفتن تعهد از مسئولان کشورها برای اجرای آن تأکید ورزیده و برای ایجاد اختلال در نظام محاسباتی مسئولان راهکارهای متعددی را بیان کرده است؛ از جمله آنها دعوت از مسئولان و کارشناسان مرتبط با جمعیت برای حضور در سازمان ملل، همایش‌های بین‌المللی جمعیتی و ارائه تحلیل‌های جمعیتی کشورهاشان توسط امریکا و نهادهای سازمان ملل و ارائه به مسئولان کشورها بود (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۶۴). در طی سه دهه فعالیت‌های اجرای تنظیم خانواده در ایران، مسئولان متعددی از ج.ا.ایران در این برنامه‌ها شرکت کردند و در جلسات مشترک با نمایندگان سازمان‌های بین‌الملل و بر اساس آمارها و تحلیل‌های یک‌سویه آنها نسبت به کاهش شدید جمعیت ایران مبادرت ورزیدند. اگرچه در آن زمان عده‌ای از عالمان و اندیشمندان نسبت به این نوع تصمیم‌گیری‌ها اعتراض و انتقادهایی را مطرح ساختند (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۰)، ولی متأسفانه نقشه‌های امریکا در این سند برای عملیاتی‌سازی بسیار قوی‌تر بود و اجازه داده نشد این صداها شنیده شود و در نتیجه بسیاری از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در ج.ا.ایران را دچار خطای محاسباتی کردند.

۷. تأثیرگذاری در برنامه‌های توسعه ملی کشور

برنامه‌های توسعه ملی کشورها، از راهبردی‌ترین اقداماتی است که هر کشوری در راستای پیشرفت خود در ساحت‌های مختلف طراحی و اجرا می‌کنند. به دلیل اهمیت و نقش‌آفرینی این نوع برنامه است که سند NSSM200 با صراحت بیان می‌کند که برنامه‌های کاهش جمعیت باید ضمیمه برنامه توسعه ملی کشورها شود (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۵۹). مروری بر برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران طی دهه‌های سیاست‌های کاهش جمعیت نشانگر آن است که این توصیه در بالاترین سطح ممکن در برنامه‌های توسعه ایران لحاظ، و همه ساختارها و بافتارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و تربیتی و... را از خود متأثر ساخته است. برای مثال، دکتر نفیس صدیق مدیر اجرایی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد می‌گوید:

گفت‌وگوهایی که متعاقب سرشماری سال ۱۳۶۹ در سال ۱۹۸۸ با دولت ایران صورت گرفت، به آن منجر شد که دولت در برنامه پنج‌سال اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، تقلیل نرخ کلی باروری را از رقم ۶/۴ فرزند برای هر زن به رقم ۴ فرزند به‌عنوان هدف مورد نظر اعلام کرد. وی در ادامه بیان می‌کند: دولت ایران اکنون مصمم است که در برنامه توسعه کشور، مسئله جمعیت را نیز به حساب آورد. ما به ایران آمده‌ایم تا در تنظیم یک برنامه جمعیتی به ایران کمک کنیم؛ برنامه کوتاه‌مدت دوساله‌ای که ۴ میلیون دلار هزینه خواهد داشت (روزنامه خراسان، ش ۱۲۷۷۴، ۲۱ شهریور ۱۳۷۲).

اینک با گذشت حدود بیش از یک دهه از تغییر سیاست‌های جمعیتی در ج.ا.ایران از رویکرد کاهشی به افزایشی، به دلیل نهاده شدن برنامه‌های کاهش جمعیت در برنامه‌های توسعه سال‌های قبلی در تار و پود جامعه ایرانی، بسیاری از اهداف سیاست‌های جمعیتی تا کنون محقق نشده است.

۸. بسیج همه امکانات کشور در اجرای برنامه تنظیم خانواده

گسترده‌ترین و اصلی‌ترین بخش سند ناظر به انجام برنامه‌هایی برای کاهش باروری در سطح جهان با محوریت سازمان بهداشت جهانی بود. انجام پژوهش‌های متعدد بنیادین و کاربردی برای تولید بهترین و قوی‌ترین روش‌های جلوگیری از بارداری، تنوع و تکثر روش‌های کنترل، ارزان و جذاب بودن اقدامات، حمایت‌های مادی و... مجموعه‌ای از اقداماتی بود که به‌طور مبسوط پیش‌تر بیان شد. در این راستا، می‌توان گفت تقریباً تمام برنامه‌های ناظر به کاهش باروری که در سطح گسترده در سند بین‌المللی NSSM200 بیان شده (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۲۱۴-۲۴۲)، به روش‌های گوناگون و به شکل مستقیم و غیرمستقیم در ج.ا.ایران اجرا شده است که به برخی از جلوه‌های آن اشاره می‌شود:

گسترده‌گی و تنوع وسایل پیشگیری از بارداری ازجمله مهم‌ترین موارد مطرح در سند بود. این موضوع چنان در سطح وسیع در ایران اقدام شد که حتی در روستاهای دورافتاده در آن بازه زمانی که داروهای ابتدایی و اولیه و ضروری مردم را نداشتند، قرص‌های ضد بارداری به‌صورت مجانی در اختیار طیف وسیعی از خانوارها قرار می‌گرفت (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۴). به دلیل ارزانی و در دسترس بودن لوازم پیشگیری از بارداری - که مورد تأکید سند

NSSM200 بود - کاربست وسایل پیشگیری از بارداری میزان استفاده از آن تا سال ۱۳۷۸ به حدود دو برابر، یعنی بیش از ۷۰ درصد رسیده بود. مسئول بهداشتی در یکی از استان‌های شمالی در آن بازه زمانی بیان می‌کند: آمپول‌های ضدحاملگی که مدت ۳ ماه از بچه‌دار شدن جلوگیری می‌کند، هر یک از آنها ۱۵ تا ۱۶ هزار تومان برای دولت خرج برمی‌دارد که به‌طور مجانی توزیع می‌شود. در یک روستای ۴۰۰ خانواری ۷۰ نفر زن لوله بسته‌اند و بقیه از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنند (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵۶).

معاون بهداشت وزارت بهداشت در نیمه دوم دهه ۸۰ شمسی با صراحت می‌گوید: ما در ایران، موقعی که خواستیم کاهش جمعیت بدهیم، تمام وسایل و شیوه‌های ممانعت از بارداری را یک دفعه به داخل کشور سرازیر کردیم، ولی بعضی از کشورها این کار را نمی‌کنند و برای کاهش جمعیت، تنها دو تا وسیله را ارائه می‌دهند، تا سلامت مردم به خطر نیفتد (www.tasnimnews.com/Home/Single/735250).

یکی از توصیه‌های سند تولید و ابداع روش‌های جدید بود که این موضوع نیز در ایران دنبال شد. در گزارشی آمده است محققان روش‌های جدیدی برای متوقف کردن اسپرم بدون ایجاد اختلال در عملکرد جنسی ابداع کرده‌اند که گام مهمی برای تولید نسل جدید قرص ضدباروری مردان بدون عوارض جانبی است و این موضوع اثر زیادی در کاهش نسل خواهد داشت. قرص‌های ضدباروری مخصوص مردان تا حدود زیادی بر تولید اسپرم‌های غیرکارکردی تمرکز دارند، اما برخی از این داروها عوارض جانبی بلندمدتی بر جای می‌گذارند (قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۱). نمونه دیگر اینکه در اسفندماه سال ۱۳۹۰، رئیس وقت اداره تنظیم خانواده و جمعیت، ضمن مصاحبه‌ای خبر مجوز گرفتن محموله‌ای از یک وسیله جدید برای ممانعت از بارداری با نام «جدل» (Jadelle) را اعلام می‌کند (www.irna.com/fa/NewsPrint.aspx?ID=72385). این روش که به‌صورت دو کپسول در بازو کاشته می‌شود و تا پنج سال هورمون آزاد می‌کند، (نورپلانت ۲) نخستین بار با بهره‌گیری از تحقیقات شورای جمعیت (Population Council) تولید شد (en.wikipedia.org/wiki/Population_Council)؛ سازمانی که وابسته به بنیاد امریکایی برادران راکفلر است و هدف فعالیت‌هایش، اصلاح نژاد به شیوه امریکایی و ایجاد بحران جمعیت در کشورهای درحال توسعه است. درحالی‌که سازمان غذا و داروی امریکا (FDA) این محصول را در سال ۱۹۹۶ تأیید کرده است، و «جدل» توسط شرکتی آلمانی، تحت لیسانس شرکت فایزر (Pfizer) امریکا تولید می‌شود، به‌هیچ‌وجه این روش در امریکا، آلمان و عمده کشورهای اروپایی در اختیار مردم قرار ندارد و عمده این محصول با پشتیبانی آژانس توسعه بین‌المللی امریکا، سازمان جهانی بهداشت، صندوق جمعیت سازمان ملل، فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده و بنیادهای راکفلر و فورد، به آفریقا صادر می‌شود.

توصیه به وازکتومی و توبکتومی از دیگر تجویزهای سند بود. این موضوع چنان با شدت و حدت در ج.ا.ایران اجرا شد که بسیاری از مردان و زنان به آن روی آوردند و حتی طبق برخی از گزارش‌های طیف زیادی از زنان که برای بیماری‌های دیگری نیز به مراکز درمانی مراجعه می‌کردند، بدون اینکه اطلاع داشته باشند توبکتومی می‌شدند. برای مثال، یکی از پرسنل بیمارستان در آن زمان می‌گوید:

به زنان بگویند برای زایمان به بیمارستان مراجعه نکنید؛ زیرا به پرسنل بیمارستان‌ها دستور داده‌اند تا هر زنی که مراجعه می‌کند گرچه شکم اول او باشد، به پنهان‌های مانند اینکه در معرض خطر است، او را «سزارین» کنید و در ضمن لوله‌های او را ببندید و لازم نیست حتی به خود او بگویند که لوله‌های وی را بسته‌اند! (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۶).

همچنین در گزارشی آمده است:

۱۱ بیمارستان و مرکز بهداشتی درمانی مشهد عمل وازکتومی و توبکتومی را رایگان انجام می‌دهند؛ ۶۰ مرکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد ارائه خدمات و وسایل پیشگیری از بارداری به صورت رایگان به متقاضیان هستند. زنان بارداری که متقاضی عمل توبکتومی باشند، هزینه زایمان آنها اعم از سزارین و طبیعی رایگان خواهد بود. ارائه خدمات پیشگیری مشاوره از طریق مراکز بهداشتی و درمانی استان به‌طور رایگان و در اسرع وقت انجام می‌گیرد. متقاضیان به نزدیک‌ترین مرکز بهداشتی درمانی محل سکونت خود مراجعه کنند (روزنامه خراسان، ش ۱۲۷۳۲، تیرماه ۱۳۷۲).

معاون وقت امور بهداشتی وزارت بهداشت بیان می‌دارد: «طی چهار سال گذشته ۸۰ هزار مرد و یک میلیون زن واقع در سنین باروری در کشور اقدام به عمل جراحی وازکتومی و توبکتومی کرده‌اند» (روزنامه قدس، ش ۱۸۹۱، ۱۹ تیر ۱۳۷۳). در گزارشی دیگر آمده است: «آمار نسبی وازکتومی (بستن لوله در مردان) در ایران، ۳ برابر این آمار در دنیا و این آمار برای توبکتومی (بستن لوله در زنان)، قریب به ۴ برابر متوسط جهان است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۲۲). حجم و گستردگی این فعالیت‌ها در ایران، این کشور را به قطب جراحی‌های عقیم‌سازی تبدیل کرد. صندوق جمعیت سازمان ملل، مرکز بهداشتی ارومیه را بعد از چند سال به‌عنوان مرکز بین‌المللی وازکتومی معرفی کرد و علاوه بر انجام عمل عقیم‌سازی وازکتومی، این مرکز به‌عنوان محلی برای آموزش مربیان خارجی نیز در نظر گرفته شد.

شاید بتوان گفت، بیشترین نقش‌آفرینی برای تهدید مولید در ایران مبتنی بر برنامه‌های سازمان بهداشت جهانی و سیاست‌های سند NSSM200 را شبکه بهداشت و درمان ایفا کرد که در کنار همه موارد بالا، با استفاده از منابع غیرمعتبر برای تهیه دستورالعمل‌ها، عدم اطلاع‌رسانی در خصوص عوارض غیرشایع ولی مهلک روش‌های ممانعت از بارداری، ناآگاه نگاه داشتن مردم، مزیت‌تراشی برای برخی از روش‌های ممانعت از بارداری (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۲۰-۸۰)، نپرداختن به اثرات مفید بارداری و شیردهی بر سلامت زنان، تنوع‌بخشی تاجرمانانه به روش‌های ممانعت از بارداری و عقیم‌سازی‌های دائمی، این‌گونه ج.ا.ایران را به الگوی کاهش باروری در سطح جهانی تبدیل کرد.

۹. تعهد سیاسی و حقوقی برای اجرای تنظیم خانواده

یکی از استراتژی‌ها و برنامه‌های تجویزی سند بین‌المللی NSSM200، گرفتن تعهد سیاسی از مسئولان کشورها برای اجرای آن بوده است که به‌منظور تحقق آن، مجموعه‌ای از برنامه‌ها اعم از ارائه تحلیل‌های جمعیتی کشورها توسط سازمان ملل، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس و اقناع کارشناسان و مسئولان جمعیتی کشورها، برگزاری جلسات دو یا چندجانبه با مسئولان کشورها و... در نظر گرفته شده بود (کیسینجر، ۱۴۰۳، ص ۱۹۰-۱۹۶). درنگی بر تطبیق

این راهبردها با برخی اقدامات جمعیتی این‌چنینی در ایران، بیانگر آن است که متأسفانه این اقدام هم در ایران اجرا شده است. برای مثال، در ۱۲ تا ۱۵ فوریه سال ۲۰۰۷ میلادی به دعوت صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA) نشستی با عنوان کنفرانس بین‌المللی رهبران مسلمان برای حمایت از جمعیت جهت دستیابی به اهداف توسعه هزاره سوم (MDGS) در جزیره بالی اندونزی برگزار می‌کند. محور اصلی این کنفرانس بررسی روند پیشرفت تنظیم خانواده در میان مسلمان و کشورهای اسلامی بود. بیش از ۲۰ هیئت از کشورهای اسلامی شرکت داشتند و از ایران نیز هیئتی در این کنفرانس بین‌المللی شرکت کرده بود. گروهی از کشورهای مانند اندونزی، ایران و پاکستان به موفقیت‌های کسب‌شده در زمینه کنترل رشد جمعیت در کشورشان و روش‌ها و شیوه‌های به‌کارگرفته اشاره و آمار و مستندات را ارائه کردند؛ اگرچه گروهی مانند هیئت سوریه و اردن تهدید نسل را برتافتند و بر انحرافی بودن آن تأکید کردند و از ضرورت سلامت خانواده و تربیت سالم فرزندان سخن به میان آوردند (هاجری، ۱۳۸۶، ص ۲). در اهدای جایزه سال جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد به یک استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، در هنگام اهدای جایز به این جمعیت‌شناس ایرانی، خانم «آشارز میگیرو» معاون اول بان کی مون (دبیر کل سازمان ملل متحد) در سخنانی موفقیت این محقق ایران در ارائه تحقیقات کاربردی به جامعه جهانی را نشانه عمیق روحیه دانش‌دوستی ایرانیان دانست و این افتخار را به دولت و ملت ایران تبریک گفت! (قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۹۰). مدیر دفتر جمعیت سازمان ملل در توضیح نتایج ملاقات‌های خود با مقامات رسمی ایران در آن بازه زمانی می‌گوید: «همه این مقامات اهمیت مسئله کنترل جمعیت را درک می‌کنند و همه معتقدند که برای جلوگیری از رشد نامعقول جمعیت ایران باید کاری کرد» (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۵). وی ادامه می‌دهد: «من خوشحالم که مقامات مسئول ایران این برنامه را پذیرفته‌اند و برای پیشبرد آن می‌کوشند» (مجله دانشمند، ۱۳۶۸، ص ۸-۱۰). معاون دبیر کل فدارسیون بین‌المللی تنظیم خانواده، تدابیر اتخاذشده در ایران جهت کنترل جمعیت و توسعه برنامه‌های رفاه خانواده را امیدوارکننده خواند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۰۸/۰۲)، و «گروه بین‌المللی اقدام در مورد جمعیت» که تحولات در امور جمعیتی جهان را زیر نظر دارند، فهرستی از کشورهای موفق و ناموفق در امر کنترل جمعیت را تهیه کرده است که در آن ایران در شمار کشورهای موفق می‌باشد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱/۱۲/۱۶). افزون بر این، از دیگر اقدامات نهادهای بین‌المللی برای اجرای این راهبرد در ایران، تأثیرگذاری بر ساختارهای قانونی کشور بود تا بتوانند از ظرفیت‌های آنان در راستای کاهش جمعیت بهره‌مند شوند. برای مثال، از جمله اقدامات صندوق جمعیت سازمان ملل، همکاری وسیع آن با برخی از نهادهای مهم کشور؛ مانند مجلس، مرکز آمار ایران، هلال احمر، وزارت بهداشت، کمیته امداد و بسیاری از NGOهای دیگر بود. صندوق جمعیت با نزدیک شدن به این دستگاه‌ها و با توجه به ساختار دستگاه‌های مذکور که در برخی موارد ساختار قانونی و آیین‌نامه سازمان به آنها اجازه همکاری با صندوق را می‌دهد، توانسته است بسیاری از اهداف خود را به مرحله عمل وارد سازد.

۱۰. کمک‌های مالی برای کنترل جمعیت

در بخش‌های متعدد سند مطالعات جمعیت NSSM200 بر تأمین مالی هزینه اقدامات برای کاهش جمعیت در کشورها اشاره شده و منبع تأمین این منابع مالی نیز بیان شده است که در بخش معرفی سند بدان اشاره شد. مرور و تحلیلی بر کمک‌های مالی سازمان‌های بین‌المللی به ج.ا.ایران برای انجام برنامه کاهش جمعیت، در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که در این بخش نیز در ج.ا.ایران نقش آفرینی کرده‌اند. برخی از کمک‌های مالی به ایران برای برنامه تهدید نسل را این‌گونه نشان می‌دهند:

– صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۳۷۲، ۱۵۰ میلیون دلار وام؛

– سازمان ملل و یونسکو در سال ۱۳۶۸، ۱۵۰ میلیون دلار؛

– صندوق جمعیت سازمان ملل در سال ۱۳۷۱، ۴ میلیون دلار؛

– سازمان بهداشت جهانی، افزایش ۱۰۰ درصدی بودجه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده وزارت بهداشت در سال ۱۳۷۱ با توجه به مساعدت‌های بین‌المللی؛

– یونیسف ۱/۸ میلیون دلار در محورهای برنامه پنج‌ساله جمعیتی؛

– بانک جهانی ۱۴۱ هزار و ۴۰۰ دلار برای اجرای طرح‌های بهداشتی وام (قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۹۵).

اعطای این کمک‌های مالی به ج.ا.ایران برای برنامه کاهش جمعیت، در شرایطی بوده است که این کشور از طرف آمریکا و دیگر سازمان‌های بین‌المللی تحریم بوده است، ولی با سخاوتمندی نهایت همکاری را برای تهدید نسل در ایران انجام داده‌اند.

نتیجه‌گیری

سند راهبردی NSSM200 که به‌منظور کنترل جمعیت جهان در راستای منافع ایالات متحده آمریکا و با مدیریت این کشور طراحی و پس از آن در کشورهای مختلف جهان اجرا شده است، مبتنی بر مجموعه‌ای از استراتژی‌ها، دستورالعمل‌ها و اقدامات کم‌نظیر توانسته است به هدف خود که کنترل و مدیریت جهان بر اساس سناریوی سطح جایگزینی جمعیت برای هر خانوار است، دست یابد و بسیاری از کشورها را با مخاطرات متعدد در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مواجهه سازد. با توجه به رویکرد جهانی این سند، با آغاز سیاست‌های کاهش جمعیت در ج.ا.ایران، کاربست الگوی آن در برنامه‌های تنظیم خانواده و جمعیت، و بسیج همه امکانات کشور برای کاهش جمعیت، ایران را با مخاطراتی جدی مواجه ساخته است. تطبیق سیاست‌ها، راهبردها و اقدامات تجویزی و کاربردی این سند با برنامه‌های کاهش جمعیت که طی چند دهه در ج.ا.ایران اجرا شد، نشان می‌دهد مدل و الگوی تهدید موالید در ایران که این کشور را به یک الگوی کاهش جمعیت در سطح جهان تبدیل کرده، از این سند تبعیت کرده است. در این نوشتار به برخی از این موارد اشاره شد؛ مانند نهادهای ساختن الگوی تجویزی سطح جایگزینی، مهندسی منابع علمی، جهت‌دهی فرهنگ عمومی کشور، اقناع

تصمیم‌سازان برای کاهش جمعیت، نهادینه‌سازی کم‌فرزندی در جامعه با ایجاد تغییر نگرش در نسل‌های آینده، تأثیرگذاری در برنامه‌های توسعه ملی کشور، بسیج همه امکانات در اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، نهادینه‌سازی خانه‌گزینی به‌جای خانواده‌محوری و تعهد سیاسی و حقوقی برای اجرای برنامه‌های کاهش جمعیت.

بی‌تردید موارد متعدد و ابعاد دیگری نیز در این باره وجود دارد که پرداختن بدان‌ها مجال دیگری می‌طلبد. در این میان، تبیین ابعاد این سند در سیاست‌های جمعیتی ج.ا.ایران چند نکته مهم را برجسته می‌سازد که باید در راستای تحقق برنامه‌های جمعیتی آینده مد نظر قرار گیرد: نخست اینکه بدانیم این کاهش شدید جمعیت در ایران چگونه و بر اثر چه عوامل و الگوهای رخ داده است؛ دوم اینکه با مهندسی معکوس راهبردها و برنامه‌ها و روش‌های این سند می‌توان در راستای تحقق سیاست‌های افزایش جمعیتی کشور اقدام کرد؛ سوم اینکه برخی اسناد بین‌المللی دیگر مانند سند ۲۰۳۰، برجام و... ساختار و الگویی شبیه به این سند - البته به‌صورت به‌روز شده - دارند که به صورت هوشمندتر از آن برای تحقق سیاست‌هایشان در کشورهای دیگر استفاده می‌کنند. بدیهی است توجه به نحوه اثرگذاری سند NSSM200 بر تحولات جمعیتی ایران و سایر ابعاد مهم آن، می‌تواند درس‌ها و عبرت‌های فراوانی فراروی دانشوران، اندیشه‌ورزان و فعالان عرصه جمعیت قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- پارک، جی. ای. و پارک، ک. (۱۳۸۳). درس‌نامه پزشکی پیشگیری و اجتماعی اصول و روش‌های اپیدمیولوژی، جمعیت‌شناسی و آمارهای بهداشتی. ترجمه حسین شجاعی تهرانی و حسین ملک‌افضلی. تهران: سماط.
- پیتر، مک‌دونالد و دیگران (۱۳۸۱). بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد. نامه علوم اجتماعی، ۴۴۵ (۲۰)، ۲۰۱-۱۶۹.
- جکسون، ریچارد و هو، نیل (۱۳۹۹). جمعیت، قدرت و معیشت. ترجمه حمیدرضا خطیبی. تهران: دنیای اقتصاد.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳). دستورالعمل روش‌های پیشگیری از بارداری در جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). مجموعه مقالات پنجمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۵ق). کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیگیر مسلمین. تهران: نور حکمت.
- حلم‌سرشت، پرویش و دل‌پیشه، اسماعیل (۱۳۸۵). جمعیت و تنظیم خانواده. تهران: چهر.
- عرب، هادی (۱۴۰۰). تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات اجتماعی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فولادی، محمد (۱۴۰۰). فرصت جمعیت؛ چشم‌انداز تحولات جمعیت در ایران، چالش‌ها و راهبردها. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قاسمی، صالح (۱۳۹۲). جنگ جهانی جمعیت (بررسی توطئه‌ها و سیاست‌های جمعیت در ایران و جهان). تهران: کتاب ابرار.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. زن در توسعه و سیاست، ۲ (۳)، ۱۰۳-۱۲۳.
- کسینجر، هنری (۱۴۰۳). سند مطالعات امنیت ملی آمریکا N200 (روند رشد جمعیت و تأثیر آن بر منافع برون‌مرزی و امنیت ملی آمریکا). ترجمه هادی عرب. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- گاردنر، جان ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده. تلخیص معصومه محمدی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گولدستون، جک (۱۳۹۵). جمعیت‌شناسی سیاسی (نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی). ترجمه یعقوب فروتن. تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مجدالدین، اکبر و جمالی، احمدرضا (۱۳۸۶). بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران. جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، ۲ (۴)، ۱۳۹-۱۵۲.
- مطلق، محمداسماعیل (۱۳۹۰). مقدمه مدیر کل سلامت جمعیت؛ خانواده و مدارس بر کتاب قرص‌های پیشگیری از بارداری: باورها و پرسش‌ها. هاجری، عبدالرسول (۱۳۸۶). جمعیت و چالش‌ها در هزاره سوم. حوراء، ۲۴، ۴۸-۴۰.
- هیول، مک‌دونالد (۱۳۸۸). بررسی علل افزایش سن ازدواج، ویژه‌نامه علمی استانداری مازندران.
- Demeny, P. (2003). Population Policy. In P. Demeny, & G. McNicoll (Eds.), *Encyclopedia of Population*. New York: Macmillan Reference USA.
- Eberstadt, Nicholas (2011). Apoorva Shah, fertility Decline in the Muslim Worl: A Veritable Sea-Change Still Curiously Unnoticed. SSRN Electronic Journal, Deceber.
- Farzane Roudi on Demography and Development, huffington post, 2017/12/2017

Iran s Demographic crisis, mercatornet, 2009/6/25.

Issues”, 8th Edition, USA, Wadworth to Concepts and Issues (p. 487-537). Belmont: Wadworth Publishing

Longman, Philip (2011). *Population Decline and the Remaking of Great Power Politics*, Potomac Books.

Smith, Dick (2011), *Population Crisis: The dangerrrs of unsustainable growth for Australia*.

Weeks, J. (2008). Population Policy. In *Population: An Introduction*.

Weeks, J. R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Company*.

